

روانشناسی قرآن

روانشناسی کودک در قرآن

۱. آسیب های تربیتی ای که از جانب اولیا و مربیان به قصد تربیت و اصلاح رفتار و از روی دلسوزی و محبت به کودکان وارد می شود احتمالاً بیش از آسیب هایی است که از جانب دیگر عوامل صورت می گیرد!
۲. -اگر می خواهید فرزندان نسبت به مسئولیت های خود بی تفاوت نباشد حساسیت بیش از حد نسبت به مسئولیت های او نشان ندهید . (سعی کنید ظاهراً بی تفاوت باشید تا او خود به تکالیف و وظایف خود حساس شود.)
۳. برای رسیدن به اهداف تربیتی ، اگر می خواهید سریعاً به مقصودتان نائل آید آهسته و تدریجی حرکت کنید.
۴. تربیت کردن ، رها کردن متری از بستگی ها و وابستگی ها به سوی رشد و تعالی است و نه رام کردن و مطیع کردن او در دام خواسته ها . " یَقْبُضُكَ عَمَّا لَكَ وَ يَبْسُطُكَ فِيمَا لَه " "قبض می کند تو را آنچه برای توست و رها می کند تو را در آن چه برای اوست" .
۵. آموزش راه های رسیدن به حقیقت مهم تر از خود حقیقت است . این راه ها را به کودک نشان دهید.
۶. مهارت سکوت غالباً بیش از مهارت حرف زدن ارزش اثرگذاری دارد . با مهارت سکوت پیام خود را به کودک برسانید.
۷. معمولاً پدر و مادر در اثر حمایت و محبت نمی توانند کودک را به قدر کافی به خود واگذارند. در محبت نمودن معتدل باشید ، زیرا ساختمان تربیت متعالی بر شانه های محبت متعادل بنا می شود.
۸. کودک در خانواده به خاطر مراقبت های افراطی و بایدها و نبایدها غالباً خودش نیست ، همه چیز را طوطی وار اقتباس می کند ؛ او به جای این که نقش بگیرد ، نقش بازی

می کند . بنابراین اجازه بدهید کودک ، هنر خود بودن و خود شدن را در خود شخصاً کشف کند.

۹. یکی از ظرافت های هنر تربیتی این است که هرگز در هنگام تنبیه ، کودک را تا مرحله ای از پافشاری پیش نبریم که در آن خود را محکوم یافته تلقی کند، بلکه مقاومت مانع را چنان حساب کنیم که بتواند بر آن فائق آید و تنبیه ، ابزاری برای آگاهی باشد و نه برای ترس و تهدید.

۱۰. در برنامه های تربیتی باید پیام تربیتی به گونه ای طرح و ابلاغ گردد که مخاطب آن را یکی از پدیده های ذات خود حس کند.

۱۱. هر یک از افراد ، تربیتی درخور و شایسته با شخصیت و طبیعت خود دارند . از شبیه سازی و شبیه پروری پرهیز کنید . ("قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ" ؛ " بگو هرکدام به راه و روش خویش عمل کند") .

۱۲. هر چه محیط و زمینه تربیت آماده تر باشد شرایط پذیرش پیام تربیتی مستعدتر و کارا تر است . آماده سازی عاطفی و درونی ، هنری بس عمیق تر از پیام دهی و اندرزگویی است.

۱۳. تربیت کودک الزاماً مبتنی بر تعامل بین طبیعت او و دنیای پیرامون است ؛ پس در این تعامل به اقتضای طبیعت و محیط او سهمیم باشیم.

۱۴. هدف تربیت باید توسعه و گسترش ظرفیت درونی و قوه فهم کودک باشد و نه تحمیل و تزریق معلومات و محفوظات به او . 15- در روش تربیت فعال ، مربی می کوشد تا خود را از نظر ذهنی و عاطفی در موقعیت مربی قرار دهد ، در حالی که در روش تربیت انفعالی ، مربی ، کودک را در موقعیت خود قرار می دهد . در روش تربیت فعال ، مربی مشوق ابداع و خلاقیت است ، حال آن که در روش انفعالی ، مربی القا کننده و ایجاد کننده عادت صوری است.

۱۵. وظیفه اولیا و مربیان هموار ساختن مسیر رشد و تعالی کودک است و نه راندن یا کشاندن او به سوی هدف ؛ زیرا فرق است بین رشد " کنش گر " و رشد " کشانگر " .

۱۶. تنبیه باید به قصد بیداری دل باشد و نه تهدید جسم ، پس تا از نتیجه بیدارسازی تنبیه مطمئن نشده اید اقدام به تنبیه نکنید.

۱۷. باید دانست که غالباً کودک علت آنچه را که شما عیب می دانید نمی داند، لذا قبل از سرزنش ، او را توجیه کنید تا فاصله ای بین فهم شما و او ایجاد نشود.

۱۸. رشد و پیشرفت به وسیله خود کودک و در یک پویشِ درونی صورت می گیرد و پدر و مادر و یا معلم و مربی تنها مددیار ، راهنما ، مدل نما ، محرک و مشوق او هستند و بس ؛ همانند دارو در کارتن ، طیب در معالجه بدن و باغبان در پرورش گل!

۱۹. مانباید کودک را " دانش اندوز " بار آوریم ، بلکه باید او را در برابر صحنه ها و اشیایی قرار دهیم که خود بیندیشد و دریابد و گاه با احتیاط و بسیار مختصر او را راهنمایی کنیم تا به جای اندیشه آموزی ، اندیشه ورزی را پیشه کند.

۲۰. مربی باید بداند که اندرزها و درسهای اخلاقی وقتی اثر نیکو دارد که متربی شخصاً پذیرا باشد ، در غیر این صورت نه تنها بی فایده است ، بلکه نتیجه ای وارونه به دنبال دارد.

۲۱. مربی باید " تجارب تربیتی " را به جای اندرزهای کتابی و لفظی در معرض کودک به نمایش بگذارد تا او فرصت تجربه و واقعیت را در زندگی خود دریابد.

۲۲. کودک ، بسیاری از امور را که دیدنی نیست از راه دیده می آموزد ، مثل صدق و صفای درونی ، شرافت نفسانی ، نجابت اخلاقی و وقار معنوی و این آموزه های نادیدنی و ناگفتنی پایدارتر و عمیق تر از امور دیدنی است.

۲۳. در تربیت دینی باید پرورش حس مذهبی و تفکر دینی ، مقدم بر اطلاعات و دانش دینی باشد ؛ زیرا تربیت دینی یعنی زیستن طبق معتقدات دینی و نه صرفاً دانستن و حفظ کردن اطلاعات دینی!

۲۴. قبل از تمایل و تقاضای منربی ، از انتقال پیام تربیتی خودداری کنید ، به ویژه در تربیت دینی.

۲۵. حد فراگیری مفاهیم تربیتی هر کودک را ظرفیت هوشی و انگیزشی او تعیین می کند ، لذا از تحمیل و تراکم مفاهیم فراتر از ظرفیت او باید پرهیز کرد.

۲۶. در ارائه الگوی تربیتی مورد نظر سعی شود مواردی را مطرح کنیم که کودک به طور خود انگیزه به آنها نیاز دارد ، زیرا کودک به چیزی توجه می کند که در تراز رغبت اوست.

۲۷. کودکان باید نسبت به نوع رفتارهایی که از آنان انتظار داریم شناخت کافی داشته باشند ؛ این شناخت در میدان مشاهده حاصل می شود.

۲۸. تربیت هرگز در یک بُعد متمرکز نمی گردد بلکه همواره جنبه های عقلانی ، عاطفی ، اخلاقی ، اجتماعی ، جسمی ، علمی و در جامعیت بخشیدن به آن دخالت دارند.

۲۹. درون مایه های تربیت صحیح در طبیعت کودک وجود دارد و او باید از طریق خودیابی ، خودفهمی و خود رهبری ، آنها را در تعامل با محیطی سالم کشف و تقویت نماید .

روانشناسی شخصیت در قرآن

۱. از دیدگاه قرآن، سه نوع شخصیت اساسی وجود دارد؛ مؤمن، کافر و منافق؛ (آیات 2 تا 20 سوره بقره)

۲. شخصیت های مؤمن، خود دارای سه درجه شخصیتی می باشند؛ آنان که به خود ظلم می کنند، آنان که میانه رو هستند و آنان که پیشتازانند؛ (فاطر / 32)

۳. مشخصه بارز شخصیت کافر آن است که دل و اندیشه‌اش را قفل کرده است و راهی برای نفوذ هیچ حرف تازه و اندیشه متفاوتی نگذاشته است و به همین دلیل، از درک حقایق عاجز است.

۴. خصوصیت بارز شخصیت منافق از دیدگاه قرآن، دوگانگی ریشه‌ای در ظاهر و باطن است؛ به همین دلیل، مبتلا به شک و تردید و عدم قدرت تصمیم‌گیری و ناتوانی در قضاوت می‌شود؛ (بقره و 8 تا 20 منافقون)

۵. در قرآن کریم، در آیات فراوانی از اندوه، علل ایجاد کننده آن و راه‌های برطرف ساختن آن سخن رفته است. گاهی اندوه فراق را با دیدار و گاهی اندوه فقر را با بشارت و گاهی اندوه رسول خدا (ص) را به دل‌داری حضرت حق، درمان نموده است.

۶. در دیدگاه قرآن، ترس دو نوع است؛ ترس پسندیده و ترس ناپسند؛ ترس پسندیده، همان ترس از خداوند و عدالت اوست که منجر به اصلاح رفتار می‌شود؛ (انفال/2) و ترس ناپسند، اضطرابی شدید با علت مشخصی است که تسلط بر نفس را از بین می‌برد و باید با آن مبارزه شود؛ (احزاب/10 و 11)

۷. از نظر قرآن دو نوع خشم وجود دارد؛ خشم مفید و متعادل و خشم مخرب و نابهنجار؛ خشم متعادل، راهی برای رسیدن به هدف در مواقع لزوم است و خشم مخرب را باید درمان کرد. قرآن کریم با توصیه به صبر و پاسخ‌گویی با عمل نیک و با وعده بهشت و پاداش اخروی، به وسیله سفارش به بخشش و عفو، یادآوری قدرت و خشم خداوند و ... به درمان بیماری سلامتی سوز خشم و عصبانیت پرداخته است. که به ترتیب در سوره شوری آیه 43، فصلت آیه 34، آل عمران آیات 133 و 143، شوری آیات 36 و 37، و نور آیه 22 بیان شده است.

۸. در قرآن به سه نوع از مکانیسم‌های دفاعی - روانی اشاره شده است که عبارتند از:

فرافکنی (منافقون/ 4)، دلیل تراشی (بقره/ 11 و 12) و واکنش سازی (بقره/ 204 | Page 6 و 205 و منافقون/ 4)

۹. در فرهنگ قرآن یکی از راه‌های مؤثر و اساسی روان درمانی، استفاده از مواظ و اندرزهای قرآنی است (یونس/ 57)

۱۰. در روش روان درمانی قرآنی، ایمان، تولید امنیت درونی و آرامش می‌نماید؛ (انعام/ 82 و رعد/ 28)

۱۱. یاد خدا، آرام بخش دلهاست؛ (رعد/ 28)